

اخلاق جنگ

یکی از زیبایی‌های دین ما دستورهای زیبایی اخلاقی است، دستورهایی که برای نحوه برخورد با دیگران به ما داده شده است که همیشه حقوق دیگران را رعایت کنیم و حتی درمورد مخالفان خود، دچار بی‌انصافی نشویم. بالاتر از آن، بدی‌های آنان را با خوبی پاسخ دهیم تا بتوانیم اثری ماندگار بر مخاطبان خود و دیگران بگذاریم و نام خویش و روش دینی خودمان را محبوب کنیم.

نکته بعدی آن است که در اسلام، این اخلاقی و دستورهای زیبایی اخلاقی، هیچ مرزی نمی‌شناسد و هیچ جایی وجود ندارد که بگوییم اینجا دیگر عرصه و سرزمین اخلاقی و برخورد‌های اخلاقی نیست. ما علاوه بر محیط‌های خانوادگی، در فضای دوستان و آشنایان و جامعه، فضای اجتماعی و فضای سیاسی و حتی در فضای جنگ، توصیه‌های اخلاقی خاصی برای برخورد با دشمن داریم.

ممکن است عجیب به نظر برسد که برپایه آموزه‌های دین مبین اسلام حتی در برابر فردی که آمده است با تو بجنگد و تو را از بین ببرد، حق نداری اخلاقی را کنار بگذاری و هرکاری که دلت خواست،

انجام بدهی. این‌ها همه عرصه‌های عبودیت و بندگی است. همه عرصه‌های زندگی انسان، عرصه زندگی توحیدی است؛ یعنی کسی که بنده خداست، همیشه به دنبال آن است که خواست خداوند و رضایت او چگونه به دست می‌آید. هیچ وقت دنبال راضی کردن نفس و خنک شدن دل خود نیست. در جنگ هم، کسانی که حاضر می‌شوند، مجاهدان راه خدا هستند. کسانی هستند که رفته‌اند به خاطر خداوند. جان خودشان را به خطر بیندازند، پس آنجا هم باید به دنبال اجرای دستورهای الهی باشند.

دستور داریم که شما آغازگر جنگ نباشید. شما جنگ طلب نباشید. امیرالمؤمنین در نامه ۱۴ نهج البلاغه می‌فرمایند: «لَا تُفَاتِلُوا حَتَّى يَبْذُوكُمْ فَإِنْ كُنْتُمْ بِخَيْدٍ... غلبی خجّه و تَرُكُّكُمْ إِيَّاهُمْ حَتَّى يَبْذُوكُمْ خِجَّةً أُخْرَى لَكُمْ عَلَيْهِم»؛ با آن‌ها نجنگید تا آن‌ها جنگ را آغاز کنند، زیرا بچمد... شما دارای حجت و دلیل هستید! شما پیرو امام و پیشوایی هستید که خدا و خلق بر آن اتفاق دارند]. بنابراین اگر آن‌ها آغازگر جنگ باشند، حجت و دلیل دیگری برای شما بر ضد آن هاست.

نکته مهم بعدی آن است که جنگیدن در اسلام برای دفع ظلم و دشمن است و زمانی که نتوانستید دشمن را شکست بدهید، دیگر نباید به جنگ ادامه بدهید. اینجاست که می‌فرمایند: «و هنگامی که به اذن خدا دشمن شکست خورد، فراریان را نکشید و بر ناتوان حاضر به ای وارد نکنید و مجروحان را به قتل نرسانید، و درمورد زنان می‌فرمایند: «حتی اگر به شما فحاشی کردند، حق آزار رساندن به آن‌ها را ندارید». در توصیه‌های اهل بیت^(ع) در جنگ، کسی نباید به غیرنظامی‌ها و سالمندان و کودکان صدمه بزند. حتی درباره محیط زیست دستوراتی داریم که می‌گوید: آب دشمن را آلوده به مواد سمی نکنید که معنای این دستور، ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و کشتار جمعی است. در دستورهای اخلاقی ما درباره فضای جنگی آمده است که محیط زیست را آلوده نکنید، درختان را قطع نکنید و حیوانات را نکشید.

یکی از ابوابی که سخن درباره آن بسیار می‌توان گفت، نحوه برخورد پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) با اسیر است که در هشت سال دفاع مقدس، رزمندگان همین دستورها را عمل می‌کردند و زیبایی‌هایی را خلق کردند که بسیاری از دشمنان، با دیدن همین برخوردها، جذب این روش و مسلک شدند.

در آیه معروف «يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ»، که حضرت زهر^(ص) سه روز افطار سفره خودشان را می‌بخشند، قرآن می‌فرماید که در روز سوم، اسیری به در منزل حضرت آمد. در آن زمان کفاری که به اسیری گرفته می‌شدند، نزد خانواده‌های مسلمان نگهداری می‌شدند که خیلی اوقات آن‌ها قادر به سیر کردن شکم این کفار نبودند و در اینجا حضرت زهر^(ص) افطار سفره خود را به همین اسیر کافر می‌دهند. این برخوردهای اخلاقی در فضای جنگی و درمورد دشمن، نشان می‌دهد که شخص مسلمان، به دنبال اجرای دستورهای الهی است و زیبایی این دستورات می‌تواند حتی در شرایط جنگی و درمورد دشمن، فضای تبلیغ دین را ایجاد کند تا افراد به این سمت کشیده شوند و از این مسلک پیروی کنند.

بردار و بخوان

تحکیم پیوندهای مقدس

اسم کتاب را که می‌خوانم، برایم سؤال پیش می‌آید که پیوندهای مقدس کدام پیوندها هستند. در پیمان‌هایی که ما در زندگی با دیگران می‌بندیم، انتخاب و تصمیم دخیل است؛ مانند پیمان زناشویی، پیمان‌های کاری و معاهدات مالی و اجتماعی، اما کتاب «تحکیم پیوندهای مقدس» به پیمانی که خدای متعال از ما برای حفظ و حراست از نهاد مقدس خانواده و احترام به آن گرفته است، اشاره می‌کند. در این کتاب بر احترام به والدین، به خصوص جایگاه مقدس مادر در باورهای اسلامی، تأکید شده است. امام‌صادق^(ع) در حدیثی فرموده‌اند: «مردی به حضور رسول گرامی اسلام^(ص) آمد و پرسید: ای رسول خدا! به کدام یک از بستگانم نیکی کنم؟ حضرت فرمودند: «به مادرت». مرد پرسید: بعد از آن؟ فرمودند: «به مادرت». مرد برای بار سوم پرسید و پیامبر اکرم^(ص) با زهم فرمودند: «به مادرت». در نوبت چهارم حضرت فرمودند: «به پدرت نیکی کن!» (کافی، ج ۲، ص ۴۰۹). باتوجه به دورانی که در آن به سر می‌بریم و اینکه همه‌های فرهنگی علیه نهاد مقدس خانواده ربه افزایش است. افراد مطلع و اثرگذار مذهبی و فرهنگی با تأکید بر حفظ و حراست از بنیاد خانواده در مسیر افزایش اطلاعات عمومی کوشش می‌کنند. جحت الاسلام و المسلمین عالی، نویسنده، تحکیم پیوندهای مقدس،، نیز در فصل‌های مختلف کتابش به توصیه‌های اسلام در این باب می‌پردازد، وی با بیانی شیوا و روان، مشکلات خانواده در دوران آخرالزمان، تهاجم‌های مختلف به این پیوند مقدس و چگونگی مقابله با آن را با کمک آیات و روایات و داستان‌های عبرت‌آموز بررسی می‌کند و درباره اهمیت پیوند امام و امت و چگونگی آن می‌گوید.

بخشی از کتاب:

در حدیث نورانی از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده است که فرمود: «إِذَا كُنْتُ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فَإِنَّ دَعَاكَ وَالِدَكَ فَلَا تَنْطَلِعْهُ وَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَاقْطَعْهُ؛ اگر در نماز مستحبی بودی و پدرت صدایت زد، نمازت را قطع نکن. اما اگر مادرت تو را صدا زد، نمازت را قطع کن». همه این نمونه‌ها، روایات بسیار زیادی است که نقش پی بی‌دیل مادر و حق بزرگ او را بر گردن فرزندان نشان می‌دهد. مرحوم شیخ مرتضی انصاری (شیخ اعظم)، یکی از عالمان بزرگ شیعه و فقهای تأثیرگذار بود. شیخ، مادر پیر و متدینی داشت که از درفول برای دیدن فرزندش - که اینک مرجع کل شیعه شده بود- و (همچنین) زیارت عتبات عراق، راهی نجف شد. وقتی زنان نجفی فهمیدند مادر شیخ انصاری به شهرشان آمده است، به دیدنش می‌آمدند و دست و صورت او را می‌بوسیدند.

شیی این پیرزن با صفا به فرزند با عظمتش گفت: «مرتضی! چرا این زن‌های نجفی می‌آیند و این قدر دست من را می‌بوسند؟ شیخ که نمی‌خواست بگوید این احترام به‌خاطر اوست، گفت: «مادر جان! چون شما دائم الوضو و نورانی هستید، می‌آیند دست شما را می‌بوسند». او گفت: «مرتضی! بسیاری از زنان، دائم الوضو و نورانی هستند، چرا دست آن‌ها را نمی‌بوسند؟» شیخ گفت: «مادر جان! شما اهل تهجد و نماز شب هستید، دست شما را می‌بوسند، مادرش گفت: «مرتضی! خیلی‌ها اهل تهجد و نماز شب هستند. چرا دست آن‌ها را نمی‌بوسند؟» گفت: «مادر جان، شما اهل زیارت هستید. لذا دست شما را می‌بوسند». گفت: «مرتضی! خیلی‌های دیگر هم اهل زیارت هستند، خلاصه هر چه شیخ می‌گفت، این پیرزن جواب می‌داد. آخر شیخ مجبور شد بگوید: «مادر جان! به‌خاطر من، دست شما را می‌بوسند و به شما احترام می‌گذارند». این پیرزن متدین و مادر فهمیده برگشت و گفت: «مرتضی، مگر تو که هستی؟ مگر تو چه هستی؟ یکی از بندگان خدا هستی. خودت را گم نکنی!»



شهر
۳۰ شهریور ۱۳۹۷
شماره ۲۰۵۹

۱۴
SHAHARNEWS.IR



مهر

پاسخ تفصیلی به

تفاوت حق ارث بین زن و مرد

عدالت، نه برابری

حمیده ذاکری از تساوی حقوق زن و مرد، بازگشت حقوق ازدست‌رفته زنان به آنان و اصطلاحاتی از این دست، در دهه‌های اخیر در رسانه‌ها زیاد شنیده می‌شود و در اذهان عمومی سراسر جهان به آن اهمیت می‌دهند. در این میان، دین اسلام از ادیانی است که خود را پیشرو و مدعی در حوزه حقوق زنان می‌داند، زیرا براساس آموزه‌های آن، زن و مرد در مقام انسانیت با هم برابر هستند و در نزد خدا به یک گونه داوری خواهند شد. همچنین دین اسلام در دورانی که زن جایگاه اجتماعی نداشت و حتی جزو اموال مرد تلقی می‌شد، برای او حق و حقوقی را پیش‌بینی کرد، حق و حقوقی که وجود تفاوت‌هایی در آن، باعث بروز پرسش‌ها و شبهه‌هایی شده است، تا آنجا که چرایی تفاوت حق ارث زن با مرد، یکی از سؤال‌های قدیمی و بسیار معروف در این حوزه است. شاید شما هم در زمان مواجهه با برخی از این قوانین به این سؤال رسیده باشید که به‌راستی چرا دین اسلام که همیشه بر مساوی بودن حقوق زن و مرد و همچنین اهمیت به عدل و عدالت تأکید کرده است، در این حوزه حق کمتری برای زنان قائل شده است؟ در ادامه، پاسخ این پرسش را با هم بررسی خواهیم کرد.



آنچه در روایت آمده است

در ابتدا خوب است بدانید که سؤال از حکم ارث زن سؤال، تنها یک سؤال امروزی نیست، به‌طور مثال در روایتی از امام‌صادق^(ع) آمده است که «ابن ابی‌الوجاء، که از ملحدان (کافران) قرن دوم هجری است و شبهاتی درمورد توحید، معاد و اصول اسلام دارد، روزی می‌گوید: «چرا زن بیچاره که از مرد ناتوان‌تر است، دو سهم ببرد؟ این خلاف عدالت و انصاف است». امام‌صادق^(ع) در پاسخ او فرمودند: «دلیلش آن است که اسلام، سربازی و جهاد را از عهده زن برداشته و همچنین، مهریه و نفقه را به نفع او بر مرد، لازم شمرده است و در بعضی جنایات اشتباهی که خویشاوندان جانی باید دیه بپردازند، زن از پرداخت دیه و شرکت با دیگران معاف است. از این نظر سهم زن در ارث از مرد کمتر شده است». (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۹۳). در روایت دیگری از امام‌صادق^(ع) بر این نکته تأکید شده است که پرداخت مهریه ازسوی مرد به زن، جبران نقصان ارث زن است. (شیخ‌صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷).

قانونی که پیشرو و مترقی است

با نگاهی به تاریخ اسلام درخواستیم یافت آنچه در اسلام درباره ارث برای زنان تعیین شده است، تصمیمی روبه‌جلو بوده است. در آن زمان، زنان از ارث محروم بودند و تمام میراث متوفی به پسرانش منتقل می‌شد اما اسلام، قوانین جاهلی را کنار گذاشت و زن را در زمره وارثان قرار داد و همچنین به زنان، حق تملک و تصرف در اموال و استقلال مالی عطا کرد. ازسوی دیگر لازم است برای بررسی این سؤال که «آیا در این قانون‌گذاری حقی از زن نادیده گرفته شده است یا نه»، به‌جای نگاه کردن به یک قانون، نگاهی جامع به همه حقوقی که برای زن و مرد درنظر گرفته شده است، بیندازیم.

وظایفی که مردانه است

با اینکه در ظاهر اثر مرد دوبرابر ارث زن است، وظایفی که برعهده مردان گذارده شده است، موجب می‌شود در عمل، نیمی از درآمد آنان صرف زنان شود. مرد باید هزینه زندگی همسر خود را طبق نیازمندی او از مسکن و پوشاک و خوراک و سایر لوازم بپردازد و هزینه زندگی فرزندان نیز برعهده اوست، حتی اگر شأن زن و موقعیت او اقتضا کند تا خدمتکاری را استخدام کند و خودش هم توان مالی پرداخت مزد او را داشته باشد، بازمم پرداخت حقوق و مزد خدمتکار برعهده مرد است. (ساوجی، مریم، حقوق زن در اسلام و خانواده، ص ۱۱۳). در مقابل وظایفی که مرد برعهده دارد، زن از پرداخت هرگونه هزینه‌ای معاف است و حتی برای تأمین مخارج خود ازقبیل پوشاک خوراک و... هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد. به‌عقیده کارشناسان، باتوجه‌به این توضیح‌ها مشخص می‌شود که این اختلاف، لازمه توازن و تعادل میان ثروت زن و مرد است.

حقوقی که مختص زنان است

قوانین حقوقی دیگری نیز در اسلام وجود دارد که برپایه آن، چنین حقی یعنی برداشتن تأمین هزینه‌های همسر از دوش مردان برای آن‌ها وضع نشده است. باتوجه‌به این قوانین، می‌توان علل نصف بودن ارث زن را بررسی کرد. مهریه یکی از این حقوق است. همان‌طور که می‌دانید، در هنگام انعقاد عقد ازدواج، مرد مکلف می‌شود مهریه‌ای برای زن درنظر بگیرد و این مهریه را هر وقت زن مطالبه کرد، باید پرداخت شود. در غیر این‌صورت، زن هیچ وظیفه‌ای در برابر تمکین در مقابل شوهر ندارد. این یکی از عللی است که در برخی سخنان اهل‌بیت^(ع) به آن اشاره شده است. (قمی‌مشهدی، محمدن رضا، کنزالدقائق، ج ۲، ص ۴۳۳). نفقه، حق دیگری است که برای زنان در مقابل مردان تعریف شده است. بر این اساس، در زندگی مشترک، زن نه‌تنها هیچ بار مالی را در زندگی زناشویی بر دوش نمی‌کشد، بلکه درصورت تمایل، حق دارد در قبال کارهای معمول خود در منزل ازقبیل شیر دادن و پخت‌وپز و... از شوهر خود اجرت دریافت کند.

حقوقی که براساس عدالت است

با وجود این قوانین، ازسوی دیگر دین اسلام مسئولیت‌هایی را برعهده مردان گذاشته است که دربرابرش، زنان را از آن مسئولیت‌ها معاف کرده است. مانند جهاد در راه خدا و...، مرد باید با مال و جان خود جهاد کند، چنان‌که در آیات قرآن کریم، جهاد با مال مقدم بر جهاد با جان است. مرد باید هزینه‌های مربوط به جهاد را خود پرداخت کند. (قاضی طباطبایی، تحقیق در ارث زن از دارایی شوهر، ص ۱۴۳). همچنین همان‌طور که در پاسخ امام‌صادق^(ع) در ابتدای گزارش بیان شد، در جنایاتی که خویشاوندان باید دیه بپردازند، زن از پرداخت دیه و همیاری در این امر معاف شده است، امری که اگر در علت آن دقت کنیم، نه به معنی جانبداری از زنان است نه بی‌عدالتی به مردان، بلکه به‌دلیل تفاوت‌هایی است که در طبیعت زن و مرد وجود دارد و اسلام در هنگام تعیین حق و حقوق برای اجرای عدالت به آن توجه کرده است. با این توضیح، می‌توان گفت این حرف چندان بیراه نیست که اسلام درپی تساوی بین حقوق زن و مرد نبوده است، بلکه به‌دنبال برقراری عدالت در بین آنان بوده است.

در پایان، توجه به این نکته ضروری است که هرگاه در اثر شرایط خاصی، حمایت بیشتری از زن یا دختر، ضروری به‌نظر آید، صاحب مال با به‌کارگیری تدابیری که در شرع مقدس آمده است، می‌تواند حمایت لازم را از فرد مذکور به عمل آورد، بدین معنا که اگر پدری احبانا حمایت بیشتری از دختر خود را ضروری تشخیص دهد، می‌تواند در ایام حیات خود، قسمتی از اموال خویش را به او هبه کند یا اینکه از محل ثلث اموال خود، مبلغی بیش از سهم‌الارث را از باب وصیت به دخترش اختصاص دهد. همچنین لازم به تذکر است که قاعده دوبرابر بودن سهم مرد نسبت‌به زن، یک قاعده کلی نیست، بلکه در شرع و قانون، مصادیقی وجود دارد که در ارث بردن، فرقی میان زن و مرد نیست، مانند پدر و مادر میت که هر دو به‌صورت مساوی ارث می‌برند و فرقی بین آن‌ها وجود ندارد.